

دیوار بغداد

از چند سال بدینسوست که کشور عراق یکی - اگر نه یگانه - از بحرانی ترین مناطق جهان، و به همین اعتبار هم، پایتخت آن بغداد با سیر حوادث همیشگی جانکاه خودش، از پرآشوب ترین شهرها به شمار می آیند که به همین ملحوظ، مورد توجه افکار عامه و بنابراین، یکی از عرصه های فعالیت متمرکز وسایل ارتباط جمعی جهانی میباشند.

گرافه نخواهد بود چنانچه گفته شود، این کشور و همین شهر که تا روزگاری نچندان دور، با وجود شرایط اختناق ناشی از حاکمیت یک رژیم فاسد، مستبد و سرکوبگر، موطن نسبتاً آرام و چه بسا مأوی دوست داشتنی برای زندگی و رهایش باشندگان آن بوده است، اینک اما به برکت تجاوز و اشغال امپریالیستی و کارنامه های رسوای مدعیان کاذب تمدن غرب، یعنی همان پیام آوران دروغین **آزادی، دموکراسی، امنیت و حقوق بشر**، به معنا و مفهوم واقعی کلمه، به یک جهنم پیدای روی زمین مبدل گردیده اند!

اگر تا دیروز توده های ستمدیده و زحمتکش مردم و گروه های معین قومی عراق، بار سنگین سلطه استبداد خشن بعثی را بعنوان یک جبر سیاسی بر شانه حمل، و از این رهگذر سالیان متمادی متقبل رنج ها و زجر های فراوانی گردیده اند؛ اینک ملت مظلوم عراق در مجموع، ناگزیر است که در برابر ستم مضاعف و مستقیم ملی امپریالیست های اشغالگر و ارتجاع دست نشانده شان مقاومت نموده ، و از عزیزترین خودش، یعنی از آزادی و هستی با وقار انسانی خودش دفاع نماید.

اگر مردم ستمدیده عراق تا دیروز، با مقاومت صبورانه در برابر خودکامگی، زورگویی و اجحاف توانفرسای رژیم ضد بشری صدام، حداقل، خویشتن خویش را در خانه و کاشانه خود شان احساس می نمودند؛ اینک امپریالیست های امریکایی و متحدین شان، همین احساس را هم از ایشان ربوده اند؛ آنها با اشتعال یک جنگ تحمیلی غارتگرانه و خانمانسوز، با سلب استقلال و حق تعیین سرنوشت، و با دست درازی مستقیم به تمامی شئون زندگی و مقدرات شان، در حقیقت همان احساس "خانه خودی" و "میهن آبایی" را نیز از ایشان غصب، و چنان عرصه را بر این مردم جان بر لب رسیده تنگ ساخته اند که کتله های عظیمی از آنها، به صد ها هزار و میلیون، ناچار میگردند تا برای زنده ماندن یا حد اقل گذران در یک فضای بدور از تعدی، ترس و رعب و اضطراب همیشگی، همه روزه شهر و کشور خودشان را ترک، و به تن دادن به خانه بدوشی و آوارگی در ماورای مرزهای کشور شان دل خوش نمایند!

اگر تا دیروز امریکایی ها و انگلیس ها و آنهم گویا با یک شرعیت مسخره آله دست خود شان - سازمان ملل - گوشه هایی از خاک عراق در شمال و در جنوب را، زیر عنوان مناطق امن، عملاً از پیکرش جدا نموده بودند؛ کنون با اشغال کامل این کشور، قلب خونین آن - بغداد - را بازهم به بهانه تأمین امنیت، با کشیدن یک خط فاصل مذهبی بنام - **شیعه و سنی** - ، در حقیقت پاره و پاره و به آحاد خودش تجزیه می نمایند؛ اعمار دیوار بغداد چنین معنا را داشته، و به همین سیاست باید خدمت نمایند!

دیوار بغداد بمثابه شاهکار "ابداعی امنیتی" امپریالیست های امریکایی، رسوا ترین و جنایتبار ترین ثمره یک سیاست تفرقه افگانه ضد بشری میباشد که متجاوزین اشغالگر، بنام آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و بالآخره امنیت، در حق یک ملت تحت ستم اعمال می نمایند!

آن بخش هایی از سکنه بغداد را که علیرغم خفقان طاقت فرسای حاکم، و با وجود تنش های برانگیخته شده تصنعی قومی و مذهبی و... هنوز هم در محله های خود شان و در شهر خود شان باقیمانده اند، اینک خط فاصل گویا ابداعی اشغالگران امریکایی یعنی **دیوار بغداد**، قهرا و بطور رسمی از هم جدا میسازد؛

این دیوار، باشندگان بغداد را بر اساس تعلق مذهبی، در فرقه های شیعه و سنی تقسیم، و بمثابه حصاری عبورناپذیر در میان شان حایل میگردد؛ باشندگان یک شهر که از سده ها، و در واقع از زمانی که تاریخ پیاد دارد، با وصف گوناگونی های حاصل از تنوع نژادی، قومی، مذهبی و زبانی، همه با هم همزیستی و آمیزش داشته و در همه عرصه های حیات جمعی، بعنوان یک جماعت واحد و یک ملت واحد، تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک داشته اند.

تنش های مذهبی که اینک بمثابه حوادث و رویداد های روزمره تا سرحد تصفیه و کشتار های کور جمعی هم پیش میروند، واقعیت های خشنی میباشد که عمدتا از بیرون، بر آتش جانکاه آن دمیده میشود؛ کشتار های فرقه یی جگر خراشی که از ملزومات سیاست اشغال و مداخله مستقیم اشغالگران در همه امور و مقدرات ملت عراق بحساب میآید.

اگر چند دهه سلطه استبداد بعثی به زعامت یک دیکتاتور خودکامه و خون آشام، به اختلافات و تنش های قومی و مذهبی در عراق میدان میداد؛ ولی نفرت و کراهیت قومی و مذهبی کنونی که همه روزه ده ها نفر از میان مردم مظلوم عراق را قربانی میگیرد، پدیده ایست که بلا تردید به سیاست اشغال و مقاصد اشغالگران در عراق و در منطقه مرتبط بوده، و در واقع محصول مستقیم آن میباشد، که **دیوار بغداد** خودش، یک مثال بارز و نمونه گویای آن میباشد.

دیوار بغداد نه فقط امنیت شهروندان بغدادی را تأمین و تضمین نمیکند؛ نه تنها به تنش های مذهبی خاتمه نمی بخشد؛ بلکه همین دیوار بمثابه ارمغان یک سیاست تفرقه افگانه امپریالیستی، به تبعیض، جدایی و نفرت مذهبی ایجاد شده در میان پیروان شیعه و سنی، رسمیت هم می بخشد. **دیوار بغداد** سمبول زنده یی از یک آپارتاید مذهبیست که افتخار ابدی آن هم، نصیب قوای متجاوز و اشغالگر امریکایی میگردد.

نیک واضح است که توسل به سیاست تبعیض و تفرقه و اعمار مناره های آپارتاید مذهبی یک سیاست و روش جدید ابداعی امپریالیست های امریکایی تمیباشد؛ این سیاست و شیوه عمل، خود تاریخی دارد بسیار کهن. ولی در روزگار ما، استعمارگران برای پیشبرد اهداف و مقاصد استعماری خودشان، عمدتا به این سیاست بعنوان یک حربه بسیار اساسی، همواره و در همه جا توسل جسته اند که معمار بسیار نامدار آن هم، استعمارگران انگلیسی بوده اند، که امپریالیست های امریکایی هم از ایشان میراث برده اند. پالیسی شناخته شده "تفرقه بیانداز و حکومت کن" بریتانیای کبیر را مدتهاست که خلق ها و ملل تحت ستم جهان با گوشت و پوست خودشان تجربه نموده و می نمایند. با آموزش از همین میراث فرهنگی و کاربرد هنر "ظریف" آزموده شده انگلیسی است که اشغالگران امریکایی اینک نفاق، تفرقه، شقاق و جدایی در میان آحاد ملت واحد عراق را، با یک خیره سری و تفرعن امپریالیستی و آنهم بنام "امنیت"، سمنت و کنکریت می نمایند.

دیوار بغداد تجسم مادی همین پالیسی رنگ باخته استعماری و در خدمت اهداف آن میباشد.

(بابا)

اگست 2007

